

غروبگاه یک زندگی افتخار آمیز

یحیی دونداری

هر انسان آزاده و انساندوستی با شنیدن خبر مرگ ماموستا شیخ عزالدین حسینی بدون شک متأسف و افسرده شده است. مرگ شخصیت‌های برجسته و انقلابی را نمی‌توان به راحتی قبول کرد، مرگشان همچون زندگیشان تنها به خانواده و یا چند فامیل متعلق نیست، بلکه بر روی هزاران و شاید میلیون‌ها انسان تأثیر می‌گذارد و یک اجتماع بزرگ و یک ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همان اندازه که زندگیشان مثمرتر بوده است مرگشان هم به اجتماع و ملت خسارت فراوان وارد می‌کند، کهولت سن و نوع مرضی و شیوه مردن هیچکدام ذهنها را بخود مشغول نمی‌کند. عملکرد شخصی و سیاسی، گذشته درخشان و افتخار آمیز و در یک کلام، تاریخی که پشت سر داشته‌اند در جلو چشمان ظاهر و در یک لحظه مرور می‌شوند. شاید کمتر کسی متوجه باشد، و یا این موضوع را دنبال کرده باشد که گاندی چند سال عمر کرد و به چه نوع مرضی دیده از جهان فرو بست ولی فوائد و ثمره سیاسی و اجتماعی عمرش دهها و صدها سال پابرجا مانده و خواهد ماند. از این منظر این انسانهای بزرگوار را نمی‌توان مرده به حساب آورد. در طول تاریخ شخصیت‌های برجسته و لایق فراوانی یافت می‌شوند که تأثیرگذار بوده‌اند و در ساختن تاریخ سهم بسزائی ایفا نموده‌اند. زندگی و عملکردشان خود تاریخی را در بردارد و نسل اندر نسل از آن می‌آموزند. بخصوص شخصیتها و رهبرانی که در یک مسیر انقلابی قرار گرفته‌اند و در بنیاد نهادن جنبشی عادلانه و حق طلبانه نقش داشته‌اند و از سکانداران سیاسی و معنوی آن بوده‌اند.

ماموستا شیخ عزالدین با عزت ما هم از زمره این شخصیتها است که جاودانه خواهد ماند، نامش و یادش به یاد میماند و برای همیشه به صف نیکامان تاریخ پیوست. بیش از دو سوم از عمر پربار و موثرش را در راه خدمت به انسانیت و برای رسیدن به حق و عدالت گذراند. سختیها و ناملایمات را تحمل نمود. در مقاطع مختلف الگو و راهنمای مقاومت و خستگی ناپذیری بود، ایامی هم زندگی در کوهستانهای سرفراز کردستان و تحت شرایط بسیار سخت را برگزید و برای نسلی از مبارزین کردستان سرمشق قرار گرفت و یکی از معماران و ستونهای محکم جنبش انقلابی و رهایی بخش مردم کردستان بود. در سختترین شرایط همچنان بر موضع انقلابی خود پای فشرد و مایه دلگرمی مردم و پیشمرگان کردستان بود. در جنبش کردستان هم همیشه جانب عدالتخواهی و جنبه های ترقیخواهانه را میگرفت و علیه اجحافات و خرافات و عقب ماندگی ذهنی مبارزه می‌کرد.

ماموستا اگر چه حزب و تشکیلاتی را تحت رهبری نداشت ولی همیشه و در هر شرایطی یار و یاور احزاب دخیل در جنبش کردستان بود و از لحاظ معنوی از اتوریتته زیادی برخوردار بود. سرسختی و تمکین نکردنش در مقابل جمهوری اسلامی و پافشاری روی خواستههای برحق مردم ستمدیده کردستان و دفاع از حقوق زنان و مردم زحمتکش و مواضع انقلابی و قابل دفاعش از ماموستا پایه گذار و رهبری لایقی ساخته بود که تا واپسین لحظات زندگیش به آنها وفادار ماند و برای همیشه نامش در صدر تاریخ این جنبش ثبت شده است. نمی‌توان از خصائل

انقلابی جنبش کردستان نام برد و از ماموستا فاکتور گرفت، انقلابی بودن جنبش کردستان با نام ماموستا عجین شده است .

ماموستا تنها به جنبش کردستان متعلق نبود، پشتیبان و مدافع سایر جریانات مترقی و انقلابی در ایران و منطقه بود و در نزد شخصیت‌های مترقی و با نفوذ همیشه قابل احترام و مورد تحسین بود از این لحاظ هم مدافعین و پشتیبانان بسیاری را بسوی جنبش کردستان جلب کرده بود.

ماموستای عزیز برای همیشه یادت و نامت در روح و روان مردم کردستان و جنبش انقلابی عزیز و بیاد ماندنی است، عزت و احترامت در نزد همگان باقی خواهد ماند.

یادت گرامی و راهت پردوام

۲۳.۰۲.۲۰۱۱